

اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)

محمد مهدی ساقیان^۱

چکیده

اصل برابری سلاح‌ها یکی از اجزاء مهم دادرسی عادلانه است. این اصل را نخستین بار کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار گرفت و بدین معناست که هر یک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای اساسی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد. در حقوق فرانسه، اگرچه این اصل از سال‌ها پیش مورد توجه قانون‌گذار فرانسه قرار گرفته، نخستین بار به طور نسبتاً صریح در ماده‌ی مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (اضافه‌شده به وسیله‌ی قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰) به عنوان یکی از اصول راه‌بردی آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شد. این اصل در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به طور صریح پیش‌بینی نشده است، ولی از مجموع بعضی از مقررات این قانون می‌توان قائل به این امر شد که قانون‌گذار در برخی از موارد به امکانات دفاعی برابر برای طرف‌های دعوا نظر داشته است. همچنین، ظاهراً پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری جدید سعی کرده که با الهام از حقوق کشورهای اروپایی به‌ویژه فرانسه، بعضی از مقررات این قانون را بر پایه‌ی این اصل استوار سازد.

واژگان کلیدی

برابری سلاح‌ها، حقوق دفاعی، ترافی بودن، طرف‌های دعوا، تحقیقات مقدماتی.

درآمد

دلایل حقوقی زمانی معتبر اند که در حضور طرف مقابل طرح شده و وی نیز امکانات برابر برای پاسخ‌گویی به آنها را داشته باشد [۸:۶۹۲]. این مطلب که از کتاب جنگ پلوپونز^۲ گرفته شده، به‌خوبی بیانگر اصل برابری سلاح‌ها^۳ است. مفهوم برابری سلاح‌ها در واقع بدین معناست که هر یک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعاهای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به طور قابل توجهی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد. این اصل همان‌گونه که دادرسان کمیسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرده اند، وجود یک رابطه بین نیاز به عدالت و نفرت ناشی از بی‌عدالتی را در یک فرایند قضائی مشخص می‌کند [۱۸:۲۶۵].

اصل برابری سلاح‌ها که از رکن‌های اساسی دادرسی عادلانه^۴ به شمار می‌رود، امروزه جایگاه ویژه‌ای را در حقوق کشورهای مختلف از جمله فرانسه به خود اختصاص داده است. در واقع، پذیرش این اصل در کشورهای مختلف متأثر از «الگوی جهانی دادرسی عادلانه» است. این الگوی جهانی که بر پایه اسناد بین‌المللی به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حال تکوین است، بر پایه توافقی کردن هر چه بیش‌تر دادرسی به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادن امکانات برابر به همه طرف‌های دعوا و در نتیجه، گرایش به سوی یک نظام اتهامی شکل گرفته است. در سطح جهانی، مقررات مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) و مجموعه مقررات حقوقی اروپایی^۵ نیز

2. Guerre du Péloponèse

3. égalité des arms

4. procès équitable

5. corpus juris

مجموعه مقررات حقوقی که به عنوان یک طرح از سوی کشورهای اروپایی با هدف تسهیل در مجازات تقلب و حمایت از منافع مالی این کشورها پیش بینی شده است. برای آگاهی بیش‌تر در این خصوص ر.ک:

Corpus juris pourtant disposition pénales pour la protection des intérêts financiers de l'union européen, sous la direction de M. DELMAS MARTY, Economica, 1977

همچنین: ر.ک. : پردال، ژان؛ به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری؛ مترجم: ساقیان، محمدمهدی؛ مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۳ شماره ۱۱ ص ۱۷۵.

با گرایش به سوی نظام اتهامی^۶، بر پایه همین الگو تصویب شده اند [۱۳۰-۹۱: ۱۱]. در بند نخست این نوشتار (الف)، به «مفهوم برابری سلاح‌ها و ارتباط آن با مفاهیم مشابه» پرداخته شده و به ترتیب به «اصل برابری سلاح‌ها و حقوق دفاعی» (زیربند ۱) و «اصل برابری سلاح‌ها و اصل ترافعی بودن» (زیربند ۲) اشاره می‌شود. در بند دوم (ب)، «قلمرو اجرائی اصل برابری سلاح‌ها» بررسی می‌شود. مسائل مورد بررسی زیر این بند عبارت اند از: «تسری اصل به موضوع‌های غیر کیفری» (زیربند ۱)، «تسری اصل به کلیه مرحله‌های دادرسی» (زیربند ۲)، «تسری اصل به کلیه طرف‌های دعوا» (زیربند ۳) و «نسبی بودن اصل برابری سلاح‌ها» (زیربند ۴). در بند سوم (پ)، «جایگاه قانونی اصل برابری سلاح‌ها» در دو زیربند «مرحله تحقیقات مقدماتی» (زیربند ۱) و «مرحله رسیدگی در دادگاه» (زیربند ۲) مورد بررسی قرار می‌گیرد. و سرانجام، در بند آخر (ت)، به «جایگاه قضائی اصل برابری سلاح‌ها» پرداخته می‌شود.

الف. مفهوم برابری سلاح‌ها و ارتباط آن با مفاهیم مشابه

اصل برابری سلاح‌ها سابقه طولانی در تاریخ دارد. از دیدگاه حقوق دانان و فیلسوفان غربی، برابری سلاح‌ها به دلیل رابطه جدایی‌ناپذیر بین برابری، عدالت و دولت قانونمدار یکی از اصول حقوق طبیعی در فرایند رسیدگی محسوب می‌شود [۱۷: ۱۱۷]. در گذشته، قضاوت‌های مبتنی بر اوردالی و دوئل بر پایه مقررات دقیقی استوار شده بود تا برابری کامل بین طرف‌های دعوا تضمین شود.

امروزه نیز، اصل برابری سلاح‌ها که از مقدمات یک دادرسی عادلانه به شمار می‌رود، مورد توجه قانون‌گذاران کشورهای مختلف از جمله فرانسه قرار گرفته است. در واقع، این اصل در هیچ یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به صراحت پیش‌بینی نشده است و به همین جهت یک اصل نوشتاری (کتبی) به شمار نمی‌رود. این اصل

را که برگرفته از نظام حقوقی آنگلو ساکسون است، نخستین بار کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار برد. در سال ۱۹۵۹ میلادی، کمیسیون اروپایی حقوق بشر در پرونده شوآبوویچ^۷ علیه سوئد چنین حکم داد که «حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه اقتضاء می‌کند که هر یک از طرف‌های دعوا در یک دعوی حقوقی و به طریق اولی در یک دعوی کیفری این امکان معقول را داشته باشد که بتواند دعوی خود را در دادگاه در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای اساسی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد».

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز موضع مشابهی را در این باره در پیش گرفته است. دیوان در واقع اصل برابری سلاح‌ها را از مفهوم دادرسی عادلانه^۸ مندرج در بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۹ الهام گرفته است. بنا بر این، این اصل از دیدگاه دادرسان استراسبورگ یکی از رکن‌های تشکیل‌دهنده مفهوم گسترده‌تر دادرسی عادلانه به شمار می‌رود.

بدین سان، دیوان استراسبورگ در پرونده دومبوهر علیه هلند^{۱۰} با استناد به بند یک ماده شش کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر این امر تأکید می‌کند که «اصل برابری سلاح‌ها مستلزم آن است که به هر یک از طرف‌ها امکان معقول برای طرح

7. Szwabowicz

۸. برای آگاهی بیشتر از مفهوم دادرسی عادلانه، ر.ک.: آشوری، محمد و دیگران؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت؛ نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۲۵ به بعد؛ نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ به دنبال عدالت کیفری کرامت‌مدار؛ ویژه‌نامه همایش قوه قضائیه و حقوق شهروندی، تیرماه ۱۳۸۶، ص ۸؛ یآوری، اسدالله؛ حق برخورداری از دادرسی عادلانه و آیین دادرسی نوین؛ مجله حقوق اساسی، شماره ۲، ۱۳۸۳، ص ۲۵۳.

۹. بر پایه این بند، هر کس حق دارد که به دعوی وی به طور عادلانه، علنی و در مهلتی معقول از سوی دادگاهی مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تأسیس شده باشد، رسیدگی شود. دادگاه مزبور باید چه درباره حقوق و تعهدات مدنی و چه درباره درستی هر گونه اتهام کیفری علیه وی تصمیم‌گیری کند. آراء دادگاه باید به شکل علنی اعلان شود. ولی، در جامعه دموکراتیک، هر گاه منافع نوجوانان یا حمایت از زندگی خصوصی طرف‌ها ایجاب کند، ممکن است از جهت حفظ مصالح اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی یا تا حدودی که به نظر دادگاه به لحاظ وجود کیفیات خاص علنی بودن جلسه‌ها مخالف عدالت باشد، از ورود عموم و مطبوعات جلوگیری شود.

۱۰. پرونده Dombó Behér علیه هلند ۲۷ نوامبر ۱۹۹۳.

دعوی خود در شرایطی که او را نسبت به طرف مقابل در وضعیت نامناسب اساسی قرار ندهد»، داده شود. این قاعده کلی از اصل برابری سلاح‌ها در آراء متعدد دیگر دیوان نیز مورد تأیید دادرسان استراسبورگ قرار گرفته است.^{۱۱}

مفهوم عدالت یادشده در ماده ۶ کنوانسیون که به برابری سلاح‌ها بین طرف‌های دعوا تعبیر شده است، در اسناد بین‌المللی دیگر حقوق بشر نیز به عنوان یکی از حق‌های بنیادین مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان نمونه، مطابق بند ۱ ماده ۱۴ م.ب.ح.م، «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری برابر اند. هر کس حق دارد که به دادخواهی او عادلانه و علنی در یک دادگاه صلاحیت‌دار مستقل و بی‌طرف که طبق قانون ایجاد شده است، رسیدگی شود...». همان‌گونه که می‌دانیم، این میثاق در بهمن سال ۱۳۵۴ به تصویب قوه مقننه ایران رسیده و در نتیجه، قدرت اجرایی آن معادل سایر قوانین و مقررات موضوعه داخلی است.^{۱۲}

در سطح منطقه‌ای نیز، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (ماده ۸)، منشور کانادایی حق‌ها و آزادی‌ها (ماده ۷)، منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (ماده ۷)، و اعلامیه حقوق بشر کشورهای اسلامی (ماده ۱۹) مقررات مشابهی را در این زمینه تصویب کرده اند. در حقوق فرانسه، اگرچه اصل برابری سلاح‌ها از سال‌ها پیش مورد توجه قانون‌گذار و رویه قضائی قرار گرفته است، نخستین بار قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ با عنوان «افزایش حمایت از فرض بی‌گناهی و حقوق بزه‌دیدگان» با الهام از مفهوم اروپایی برابری سلاح‌ها [۱۰۷:۶] مندرج در بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این اصل

۱۱. به عنوان نمونه، آراء لوبو مشدو (Lobo Machado) علیه پرتغال ۲۰ فوریه ۱۹۹۶؛ بولوت (Bulut) علیه اتریش ۲۲ فوریه ۱۹۹۶؛ آنکرل (Ankerl) علیه سوئیس ۲۳ نوامبر ۱۹۹۶؛ فوشه (Foucher) علیه فرانسه ۱۸ مارس ۱۹۹۷؛ وینن (Wynen) علیه بلژیک ۵ نوامبر ۲۰۰۲. برای مطالعه بیشتر، تر، رک:

V. Berger, *jurisprudence de la cour européenne des droits de l'homme* 10^{eme} Ed. paris, sirey; 2007, F. Sudre, *Les grands arrêts de la cour européenne des droits de l'homme* 4, 5^{eme} Ed. PUF. 2007,

۱۲. بر پایه بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هر کس با برابری کامل حق دارد که دعوی وی از رهگذر یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، به طور عادلانه و علنی رسیدگی شود ...».

را به طور نسبتاً صریح به رسمیت شناخته است. به موجب بند یک مادهٔ مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (اضافه شده به وسیلهٔ قانون پیش گفته)، «دادرسی کیفری باید عادلانه و توافقی باشد و توازن بین حق‌های طرف‌های دعوا را حفظ کند». هر سه واژه به کار رفته در این ماده، یعنی «عادلانه»، «توافقی» و «توازن»، از نظر معنایی به یکدیگر بسیار نزدیک اند که این موضوع اهمیت این سه مفهوم را نزد قانون‌گذار فرانسوی نشان می‌دهد [۹:۳۵۷].

در حقوق ایران، این اصل به طور صریح در هیچ یک از مواد ق.آ.د.ا.ک. پیش‌بینی نشده است. ولی، با بررسی مقررات این قانون مشاهده می‌شود که برخی از مواد آن هر چند به طور جزئی بر مبنای تضمین رعایت این اصل تنظیم شده اند. ظاهراً این اصل در پیش‌نویس لایحهٔ جدید قانون آیین دادرسی کیفری نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در فقه و حقوق اسلامی، مفهوم برابری امکانات دفاعی در رسیدگی‌های قضائی قدمتی دیرینه دارد. بهترین دلیل در این باره روایت معروفی است مبنی بر اینکه مردی از حضرت علی (ع) شکایت می‌کند و قاضی هنگام قضاوت در حالی که آن حضرت را با لقب «ابالحسن» خطاب می‌کرده، برای نامیدن شاکی آن حضرت از نام ساده وی استفاده می‌کرده است که این امر با اعتراض شدید حضرت علی (ع) روبه‌رو می‌شود [۴:۲۶]. اگرچه این حدیث به طور صریح به اصل برابری سلاح‌ها اشاره ندارد، به‌روشنی گویای این مطلب است که برابری بین طرف‌های دعوا در یک رسیدگی باید تضمین شود.

اگرچه مفهوم برابری سلاح‌ها با مفاهیم «رعایت حقوق دفاعی»^{۱۳} و «توافقی بودن»^{۱۴} دادرسی دارای نقاط مشترکی است، همان گونه که دیوان اروپایی حقوق بشر یادآوری کرده، هر یک از اینها مفهوم مستقلی دارند.

13. droit de la défense

14. contradictoire

۱. اصل برابری سلاح‌ها و حقوق دفاعی

اصل برابری سلاح‌ها با اصل رعایت حقوق دفاعی دارای نقاط مشترکی است. در واقع، عدم رعایت یکی از حقوق دفاعی می‌تواند نقض برابری سلاح‌ها را دربرداشته باشد. بعضی از آراء صادرشده از دیوان اروپایی حقوق بشر مانند حق حضور متهم در جلسه دادگاه^{۱۵}، برابری در زمینه شهادت شهود^{۱۶}، امکان داشتن فرصت کافی برای دفاع با حضور یا بدون حضور وکیل مدافع^{۱۷} به خوبی نشان می‌دهند که اصل برابری سلاح‌ها چگونه موجب تقویت و تأکید بر قلمرو حقوق دفاعی شده است. از سوی دیگر، رعایت حقوق دفاعی از این جهت که دارای مفهوم گسترده‌ای بوده و هم‌زمان شامل حقوق دفاعی شاکی خصوصی و متهم می‌شود [۱۵۹:۱۵]، به اصل برابری سلاح‌ها شباهت پیدا می‌کند.

با وجود این، اگر چه بین این دو اصل ارتباط وجود دارد، هر یک دارای مفهوم مستقلی است. اصل برابری سلاح‌ها هنگام نقض مقررات ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابلیت اجرائی پیدا می‌کند، در حالی که قلمرو «اصل رعایت حقوق دفاعی» گسترده‌تر از اصل برابری سلاح‌ها است. به عنوان مثال، تضمین‌های پیش‌بینی‌شده حمایتی در مورد بازداشت موقت (که به رعایت حقوق دفاعی مربوط اند) کاملاً متمایز از مفهوم برابری سلاح‌ها است.

۲. اصل برابری سلاح‌ها و اصل ترافی بودن

بین اصل برابری سلاح‌ها و اصل ترافی بودن یا تناظر^{۱۸} نیز ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ به نحوی که، گاهی این امر موجب اشتباه در تفکیک این دو اصل

۱۵. پرونده بلزیوک (Belziuck) رأی ۲۵ مارس ۱۹۹۸.

۱۶. پرونده دلنا (Delta) علیه فرانسه رأی ۱۹ دسامبر و نیز پرونده بونیش (Bonisch) علیه اتریش رأی ۹ می ۱۹۸۵.

۱۷. پرونده اکباتانی (Ekbatani) علیه سوئد رأی ۲۶ می ۱۹۸۸ و نیز پرونده فوشر (Foucher) علیه فرانسه رأی ۱۸ مارس ۱۹۹۷.

۱۸. برای آگاهی بیشتر، ر.ک. : شمس، عبدالله؛ اصل تناظر؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۵، ص ۶۰.

می‌شود. مشابهت بین این دو اصل را در بعضی از آراء دیوان نیز می‌توان مشاهده کرد. به عنوان نمونه، در پرونده لامی^{۱۹}، دیوان اصل برابری سلاح‌ها را یکی از اجزاء اصل ترافیعی بودن می‌داند. در پرونده ورنر^{۲۰} نیز، دیوان برای احراز نقض اصل برابری سلاح‌ها به تعریف اصل ترافیعی بودن رسیدگی استناد می‌کند. سرانجام، دیوان در یکی از آراء جدید خود^{۲۱} برای محکوم کردن دولت طرف شکایت در مورد مشکلاتی که برای درخواست‌کننده (خواهان) و وکیلان وی در مطالعه پرونده به وجود آمده بود، به هر دو اصل برابری سلاح‌ها و ترافیعی استناد کرد، در حالی که استناد به اصل ترافیعی بودن در این باره کافی به نظر می‌رسید [۱۹:۳۰۹].

با وجود این، دیوان استراسبورگ در بعضی از آراء خود تفاوت هر یک از دو اصل از یکدیگر را به‌خوبی نشان می‌دهد. در پرونده نیدروست هوبر^{۲۲} که خواهان مدعی بود از مفاد پرونده که دادگاه ناحیه‌ای به دادگاه فدرال فرستاده بود اطلاعی ندارد، دیوان به‌روشنی این دو اصل را از یکدیگر تفکیک کرد. طبق نظر دیوان، اصل برابری سلاح‌ها در اینجا خدشه‌دار نشده است. زیرا، سایر طرف‌های دعوا نیز از حق حضور در دادگاه و دسترسی به اوراق پرونده محروم بوده‌اند. بر عکس، دیوان عقیده دارد که اصل ترافیعی بودن در این پرونده رعایت نشده است. زیرا، خواهان باید از مفاد پرونده فرستاده‌شده به دادگاه فدرال آگاه می‌شد تا امکان تهیه و تدارک دفاع در برابر آنها را پیدا می‌کرد. همچنین، دیوان در یکی از آراء خود^{۲۳} با استدلالی مشابه چنین اظهارنظر می‌کند که عدم دسترسی یکی از طرف‌های دعوا به گزارش دادرس مستشار و لایحه‌های دادیار عمومی دیوان

۱۹. پرونده لامی (Lamy) علیه بلژیک رأی ۳۰ مارس ۱۹۸۹.

۲۰. پرونده ورنر (Werner) علیه اتریش رأی سال ۱۹۹۸.

۲۱. پرونده اوکالان (Ocalan) علیه ترکیه رأی ۱۲ می ۲۰۰۵.

۲۲. پرونده نیدروست هوبر (Niderost-Huber) علیه سوئیس رأی ۱۷ فوریه ۱۹۹۷.

۲۳. پرونده K.A. et A.D. علیه بلژیک رأی ۱۷ فوریه ۲۰۰۵.

عالی کشور پیش از جلسه رسیدگی در حالی که این ملاحظه‌ها در اختیار طرف دیگر دعوا نیز قرار نگرفته است، مخالفتی با اصل برابری سلاح‌ها ندارد. بدین سان، از دیدگاه دیوان، هر دو اصل «برابری سلاح‌ها» و «ترافعی بودن» را می‌توان در مورد حق دسترسی به پرونده اعمال کرد. چنانچه تنها یکی از طرف‌های دعوا از حق دسترسی به پرونده محروم باشد — در حالی که طرف مقابل وی این حق را داشته است — اصل برابری سلاح‌ها مخدوش شده است (پرونده کویلا). بر عکس، اگر همه طرف‌های دعوا از مطالعه پرونده محروم بوده‌اند، اصل ترافعی بودن رسیدگی رعایت نشده است (پرونده نیدرهوست — هوپر) [۱۹:۳۰۹].

ب. قلمرو اجرائی اصل برابری سلاح‌ها

۱. تسری اصل به موضوع‌های غیر کیفری

دیوان به مناسبت تفسیر گسترده‌ای که از «قلمرو کیفری»^{۲۴} به دست داده است، تمایل زیادی به گسترش دامنه ماده ۶ کنوانسیون در جهت تقویت حمایت از حقوق افراد دارد. از دیدگاه دیوان، ضمانت‌اجراهای انضباطی (ضمانت‌اجراهای معمول نسبت به تخلفات انضباطی زندانیان در داخل زندان و ضمانت‌اجراهای معمول نسبت به تخلفات انضباطی نظامیان داخل پادگان یا محیط‌های نظامی^{۲۵})، اداری^{۲۶} و مالیاتی^{۲۷} مشمول قلمرو کیفری بوده و اصل برابری سلاح‌ها در مورد آنها اعمال می‌شود. علاوه بر آن، از دیدگاه دیوان، اصل برابری سلاح‌ها را می‌توان در مورد

۲۴. برای آگاهی از مفهوم قلمرو یا موضوع‌های کیفری، ر.ک.: پرادل، ژان؛ به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین‌های دادرسی کیفری مختلف اروپایی؛ مترجم: خزانی، منوچهر؛ مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، شماره ۲۱، ۱۳۷۶، صص ۹۶-۷۳؛ دلماس مارتی، میری؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ مترجم: نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ نشر میزان، ۱۳۸۱، صص ۲۷ و بعد.

۲۵. پرونده آنجل (Angel) علیه هلند رأی ۸ ژوئن ۱۹۷۶ و نیز پرونده کامبل (Campbell) علیه انگلیس رأی ۲۸ ژوئن ۱۹۹۴.

۲۶. پرونده اوزترک (Ozturk) ۲۱ رأی فوریه ۱۹۸۴ علیه آلمان.

۲۷. پرونده بوندنون (Bondenoun) علیه فرانسه رأی ۲۴ فوریه ۱۹۹۴.

ضمانت‌اجراهای گمرکی^{۲۹/۲۸}، ضمانت‌اجرای مربوط به جرم‌های علیه حقوق رقابتی^{۳۰} و ضمانت‌اجراهای اعمال‌شده از سوی دادگاه‌های مالی^{۳۱} اعمال کرد^{۳۲}.

۲. تسری اصل به کلیه مرحله‌های دادرسی

از دیدگاه دادرسان دیوان اروپایی حقوق بشر، به اصل برابری سلاح‌ها نه‌تنها در مرحله رسیدگی بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز می‌توان استناد کرد. علاوه بر آن، دامنه اجرای این اصل مرحله‌های اعتراض به آراء (استیناف و فرجام) و اجرای احکام را نیز دربرمی‌گیرد. در رأی آمبریوسکیا^{۳۳}، دیوان تأکید می‌کند که «هدف اصلی ماده ۶ کنوانسیون در امور کیفری عبارت است از تضمین یک دادرسی عادلانه در برابر دادگاه صلاحیت‌دار. ولی، این بدان معنا نیست که مرحله‌های پیش از رسیدگی بیرون از قلمرو این ماده است». این امر در پرونده لامی نیز به‌خوبی آشکار است. در این پرونده، نه‌تنها دیوان به اعمال اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی تأکید می‌کند، بلکه دامنه اصل را در مورد درخواست آزادی در جریان یک بازداشت موقت نیز تسری می‌دهد.

درباره اعمال اصل در مورد تجدیدنظرخواهی از احکام، دیوان در پرونده دل

۲۸. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در این باره عقیده دارد که ماده ۶ کنوانسیون را می‌توان در مورد فرایند رسیدگی در کمیسیون جرم‌های مالیاتی اعمال کرد. در این پرونده، درخواست‌کننده مدعی شده بود که به مدارکی که در کمیسیون مالیاتی علیه او استناد شده بوده، دسترسی نداشته است، در حالی که این مدارک در دسترس طرف مقابل او (مأموران مالیاتی) قرار گرفته و در نتیجه، اصل برابری سلاح‌ها در این زمینه رعایت نشده است.

۲۹. پرونده سالابیاکو (Salabiaku) علیه فرانسه رأی ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸.

۳۰. پرونده اسکنویی (Skenuit) علیه فرانسه رأی ۱۳ فوریه ۱۹۹۲.

۳۱. پرونده گیست (Guiset) علیه فرانسه رأی ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۲ و نیز پرونده Sivester's Horeca Service علیه بلژیک رأی ۴ مارس ۲۰۰۴.

۳۲. برای اطلاع بیشتر، رک.:

Florence Massias, "le champ pénal européen selon la cour européen des droits de l'homme: interprétation autonome et applicabilité des articles 6 et 7 de la convention européen des droits de l'home": in mélange en l'honneur du professeur Ottenhof, 2006, Dalloz, Paris. p. 89 .

۳۳. پرونده آمبریوسکیا (Imbrioscia) علیه سوئیس رأی ۲۴ نوامبر ۱۹۹۳.

کور^{۳۴} و اکباتانی^{۳۵} عقیده دارد که «اگرچه ماده ۶ کنوانسیون دولت‌های عضو را به تأسیس دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی ملزم نمی‌کند ... دولتی که دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی در سازمان قضائی خود تأسیس کرده، مکلف است که نسبت به بهره‌مندی طرف‌های دعا از تضمین‌های بنیادی پیش‌بینی شده در ماده ۶ کنوانسیون نظارت کند». علاوه بر آن، رعایت اصل برابری سلاح‌ها در برابر دادگاه‌های عالی از جمله دیوان عالی کشور در آراء بورژه^{۳۶} و سلیمان-کاید و دیگران^{۳۷} مورد تأیید دیوان استراسبورگ قرار گرفته است.

در پرونده وینن علیه بلژیک^{۳۸}، دیوان بر اصل برابری سلاح‌ها در مرحله فرجام‌خواهی تأکید می‌کند. در این پرونده، فرجام‌خواه طبق قانون تحقیقات جنائی بلژیک تنها مهلتی دوماهه برای ارائه لایحه فرجام‌خواهی و پاسخ به لایحه فرجام‌خوانده در اختیار داشته است، درحالی که قانون مزبور هیچ مهلتی را برای فرجام‌خوانده جهت تقدیم لایحه وی در نظر نگرفته است. بر همین اساس، فرجام‌خوانده لایحه خود را حدود ۵ ماه بعد تقدیم کرده و در نتیجه، فرجام‌خواه را از امکان پاسخ کتبی به لایحه خود محروم کرده است. علاوه بر آن، لایحه تکمیلی فرجام‌خواه نیز به لحاظ گذشت زمان (بیش از ۲ ماه) محکوم به رد شده است. بنا بر این، مقررات قانون تحقیقات جنائی بلژیک در مورد مهلت ارائه لوائح باعث عدم تعادل در حق‌های دفاعی طرف‌های دعا شده و در نتیجه، نقض اصل برابری سلاح‌ها را دربرداشته است.

سرانجام، درباره اعمال این اصل در مورد مرحله اجرای احکام، دیوان در یکی از آراء خود استدلال کرده که «اجرای حکم یا رأی از هر دادگاهی که صادر شده باشد... باید به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی در مفهوم ماده ۶ کنوانسیون تلقی

۳۴. پرونده Delcourt علیه بلژیک رأی ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱.

۳۵. پرونده Ekbatani علیه سوئد، رأی ۲۶ مه ۱۹۸۸.

۳۶. پرونده بورژه Borgers علیه بلژیک رأی ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱.

۳۷. پرونده سلیمان-کاید و دیگران (Slimane-Kaid و Reinhardt) علیه فرانسه رأی ۳۱ مارس ۱۹۹۸.

۳۸. پرونده Wynen علیه بلژیک رأی مورخ ۵ دسامبر ۲۰۰۲.

شود» و بنا بر این، از نظر دیوان «مقام‌های ملی در پرهیز از اتخاذ تدابیر لازم جهت هماهنگی خود با یک رأی قطعی و لازم‌الاجرا مانع اعمال ماده ۶ کنوانسیون شده اند»^{۳۹}.

۳. تسری اصل به کلیه طرف‌های دعوا

اصل برابری سلاح‌ها در مورد همه طرف‌های دعوا در فرآیند کیفری اعمال می‌شود. از دیدگاه دیوان استراسبورگ، طرف‌های دعوا دادسرا، بزه‌دیده و متهم را دربرمی‌گیرد. درباره اعمال این اصل در مورد بزه‌دیده، یادآور می‌شود که پیش از لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸ میلادی، بزه‌دیده بدین علت که طرف دعوا انگاشته نمی‌شد، جایگاه بسیار محدودی در برابر دیوان اروپایی حقوق بشر داشت. ماده ۲۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تنها به وی اجازه مراجعه به کمیسیون و ارائه شکایت مستدل را می‌داد و فقط کمیسیون، دولت متبوع بزه‌دیده، دولتی که به کمیسیون مراجعه کرده یا دولت طرف شکایت حق حضور در برابر دیوان اروپایی حقوق بشر را داشتند. بدین ترتیب، بزه‌دیده از آنجا که طرف دعوا انگاشته نمی‌شد، از اصل برابری سلاح‌ها در برابر دیوان بهره‌مند نبود.

پس از تصویب پروتکل یادشده و حذف کمیسیون اروپایی حقوق بشر^{۴۰}، بزه‌دیده این حق را دارا شد که به طور مستقیم به دیوان مراجعه و شکایت خود را ارائه کند. امروزه، بر پایه ماده ۳۴ کنوانسیون، بزه‌دیده همانند دولت طرف شکایت یکی از طرف‌های دعوا انگاشته شده و اصل برابری سلاح‌ها نسبت به وی اعمال‌شدنی است.

افزون بر آن، دیوان در بسیاری از آراء خود بر این باور که شکایت و دادخواست ضرر و زیان مدعیان خصوصی مشمول قلمرو اجرایی بند یک ماده ۶ بوده و شاکی

۳۹. پرونده هورنسی (Hornsby) علیه یونان - رأی ۱۹ مارس ۱۹۹۷.

۴۰. برای آگاهی از اطلاعات بیشتر، ر.ک.: آشوری، محمد و دیگران: حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت؛ انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، چ نخست، ۱۳۸۳.

خصوصی از همه تضمین‌های پیش‌بینی شده در این ماده بهره‌مند خواهد بود^{۴۱}. وانگهی، دیوان در آراء متعدد خود ضرورت اعمال اصل برابری سلاح‌ها را نسبت به دادسرا یادآور شده است. برای نمونه، در پرونده کویلا^{۴۲} علیه فنلاند، دیوان اعلام می‌کند که در اختیار قرار دادن گزارش‌های پلیس فقط به شخص دادستان، بدون در نظر گرفتن این حق برای متهم، برخلاف مقررات بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. دیوان همین رویه را در پرونده بولوت^{۴۳} علیه اتریش اتخاذ کرد. در این پرونده، دیوان بر این باور است که ملاحظه‌های مورد نظر دادستان کل^{۴۴} (که در پرونده کیفری به منزله مقام پی‌گرد ایفای نقش کرده است) به دیوان عالی کشور به آگاهی شخص مورد پی‌گرد نرسیده و اصل برابری سلاح‌ها خدشه‌دار شده است. افزون بر این، از دیدگاه دیوان استراسبورگ^{۴۵}، عدم دسترسی متهم به پرونده و دلایل استنادی علیه او به بهانه نظم عمومی نیز می‌تواند اصل برابری سلاح‌ها را خدشه‌دار کند. با وجود این، دیوان می‌پذیرد که برخی از اوراق پرونده که به طور ویژه سری اند، در مرحله دادسرا به رؤیت طرف‌های دعوا نرسد؛ مشروط بر آنکه، این اوراق را دادرس دادگاه در مرحله رسیدگی بررسی کرده و معافیت از عدم ارائه آنها مورد بحث و مناقشه طرف‌ها قرار گیرد.

سرانجام، دیوان در پرونده بورژه^{۴۶} و سلیمان — کاید و دیگران اعمال اصل برابری سلاح‌ها را در مورد دادسرا به خوبی نشان می‌دهد. در این آراء، دیوان حضور

۴۱. برای نمونه، ر.ک.: رأی صادره در پرونده پرز (Perez) ۱۲ فوریه ۲۰۰۴، هامر (Hamer) ۷ اوت ۱۹۹۶، تومازی (Tomasini)، ۲۷ اوت ۱۹۹۲ و اکواویوا (Acquaviva) همگی علیه فرانسه.

۴۲. پرونده Kuopila ۲۱ آوریل ۲۰۰۰.

۴۳. پرونده Bulut ۲۲ فوریه ۱۹۹۶.

44. procureur général

در حقوق فرانسه، منظور دادستان استان و نیز دادستان دیوان عالی کشور است.

۴۵. پرونده فیت (Fitt) علیه انگلیس ۱۶ فوریه ۲۰۰۰. در این رأی و نیز در پرونده ژاسپر (Jasper)، دیوان بر این باور است که بررسی دلایل سری ارائه شده در پرونده از سوی دادرسان دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، عدالت مورد نظر در یک دادرسی را تضمین می‌کند. برای آگاهی بیشتر، ر.ک.: [۸:۳۵۷]

۴۶. پرونده Borget علیه بلژیک ۳۰ ژانویه ۱۹۹۱.

دادیار دیوان عالی کشور در جریان شور برای صدور رأی و اطلاع این مقام قضائی از گزارش پیش‌نویس رأی مستشار تهیه‌کننده گزارش پیش از جلسه رسیدگی (بی‌آنکه این مدارک در اختیار و کیلان مدافع قرار گیرد) را از موارد نقض آشکار بند یک ماده ۶ اعلام کرده است.

۴. نسبی بودن اصل برابری سلاح‌ها

مطالعه رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که اصل برابری سلاح‌ها اصلی مطلق نیست. در واقع، دیوان دو معیار را در مورد عدم رعایت این اصل در نظر گرفته است. نخست، برابری میان طرف‌های دعوا هنگامی خدشه‌دار می‌شود که یکی از آنها در وضعیت نامناسب اساسی^{۴۷} نسبت به طرف دیگر قرار گیرد. به سخن دیگر، برای استناد به این اصل باید یکی از طرف‌های دعوا در یک وضعیت «عدم برابری اساسی» یا «وضعیت نامناسب جدی» نسبت به طرف دیگر قرار گرفته باشد. دوم، نقض این اصل باید با توجه به معیار معقولیت^{۴۸} سنجیده شود و در نتیجه، رعایت نکردن این اصل در حد معقول تحقق یابد [۱۰:۶۳]. بدین‌سان، از نظر دیوان، منظور اصل برابری تمام و کمال میان طرف‌های دعوا نبوده، بلکه بررسی شدت و میزان وضعیت نامناسب احتمالی یکی از طرف‌های دعوا برای تعیین رعایت انصاف در رسیدگی است.

این معیارها به کشورهای عضو اجازه می‌دهد که مقررات داخلی خود را که با ماده ۱-۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یا به طور روشن‌تر با اصل برابری سلاح‌ها مغایرت ندارد، حفظ کنند. برای نمونه، در حقوق فرانسه، مهلت تجدیدنظرخواهی برای دادستان کل ۲ ماه در نظر گرفته شده، در حالی که این مهلت برای سایر طرف‌های دعوا ۱۰ روز است. با این همه، دیوان عالی کشور فرانسه بر این باور است که مهلت

47. net désavantages

48. raisonnablement

اضافی پیش‌بینی شده برای دادستان کل مخالفتی با اصل برابری سلاح‌ها ندارد. زیرا، به هر شکل طرف‌های دعوا دارای حق تجدیدنظر اند؛ هر چند مهلت آن از مهلت تعیین شده برای دادستان کل کم‌تر است. وانگهی، از لحاظ عدم حضور دادستان کل در زمان قرائت رأی دادگاه، این مهلت اضافی معقول به نظر می‌رسد. برخی از حقوق دانان فرانسه [۱۳:۱۰۱] نیز این نظر را تأیید کرده اند؛ زیرا، به باور آنان، دادسرا از منافع کل جامعه دفاع می‌کند، در حالی که متهم تنها مدافع منافع خاص خود است.

پ. جایگاه قانونی اصل برابری سلاح‌ها

قانون‌گذار فرانسه تحت تأثیر رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر گام‌های مؤثری را برای ترافی کردن رسیدگی و دادن حق‌های برابر به طرف‌های دعوا در مرحله تحقیقات مقدماتی و در مرحله رسیدگی برداشته است که در دو بند جداگانه آنها را بررسی می‌کنیم و در کنار آن به مقررات دادرسی ایران نیز پرداخته می‌شود.

۱. مرحله تحقیقات مقدماتی

در حقوق فرانسه، اصل برابری سلاح‌ها نخست با ایجاد توازن در حق بهره‌مندی طرف‌های دعوا از وکیل مدافع تحقق پیدا کرده است. در واقع، در قانون تحقیقات جنائی ۱۸۰۸ فرانسه (این قانون در سال ۱۹۵۸ میلادی جای خود را به قانون آیین دادرسی کیفری داد)، حق بهره‌مندی از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی برای طرف‌های دعوا پیش‌بینی نشده بود. این حق ابتدا بر پایه قانون ۱۸۹۷ میلادی فقط برای متهم به رسمیت شناخته شده بود. سپس، قانون‌گذار فرانسوی برای برقراری توازن در حقوق دفاعی همه طرف‌های دعوا بر پایه قانون ۲۲ مارس ۱۹۲۱، حق داشتن وکیل مدافع در این مرحله را به بزه‌دیدگان نیز تسری داد. در شرح دلایل این قانون آمده است که «اگر متهم باید بی‌گناه فرض شود، در مورد شاکی نیز فرض بر بزه‌دیده بودن او است. همان‌گونه که رعایت شرایط و موقعیت متهم لازم است،

رعایت حق‌ها و نیازهای شاکی نیز مهم است» [۱۲:۳۷۵].

وانگهی، قانون‌گذار فرانسوی در ادامه سیاست خود مبنی بر ایجاد تعادل و توازن بیش‌تر در حق‌های طرف‌های دعوا، در سال ۲۰۰۲ اقدام به اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری کرد. در واقع، بر پایه قانون ۴ ژوئیه ۱۹۹۳، متهم در صورت نداشتن امکان برای تعیین وکیل مدافع، از حق داشتن وکیل معاضدتی بهره‌مند بود؛ حال آنکه، چنین امتیازی برای بزه‌دیده پیش‌بینی نشده بود.

به همین دلیل، قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ موسوم به قانون پربن یک^{۴۹} مأموران پلیس قضائی را مکلف کرده که به هر شکل ممکن شاکی خصوصی را از حق داشتن وکیل معاضدتی در مرحله تحقیقات مقدماتی آگاه کنند. بر پایه این مقررات، شاکی خصوصی در صورت بهره‌مندی از معاضدت قضائی یا استفاده از بیمه حقوقی، از پرداخت حق‌الوکاله معاف خواهد بود. وانگهی، آیین‌نامه ۲ آوریل ۲۰۰۳ و بخش‌نامه ۱۹ اوت همان سال درباره معاضدت حقوقی، بزه‌دیدگان را از پرداخت حق‌الوکاله وکیل در جرم‌های مهم علیه اشخاص یا نزدیکان آنان بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه سقف درآمدی معاف می‌کند.^{۵۰}

بر پایه قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ موسوم به پربن ۲ نیز چنین تکلیفی برای بازپرس تعیین شده است. اکنون بر پایه ماده ۳-۸۰ قانون آیین دادرسی فرانسه، بازپرس مکلف است بزه‌دیده را در صورتی که قصد ارائه دادخواست ضرر و زیان دارد، از حق استفاده از وکیل معاضدتی آگاه کند. در صورتی که بزه‌دیده بازپرس را از ارائه دادخواست ضرر و زیان خود آگاه کرده و تعیین وکیل معاضدتی را درخواست کند، بازپرس مکلف است کانون وکیلان را بی‌درنگ از این امر آگاه کند.

در حقوق ایران، این حق به تدریج و با تأخیر پذیرفته شده است. در واقع، در قانون

۴۹. وزیر وقت دادگستری فرانسه.

۵۰. این جرم‌ها عبارت‌اند از: قتل، سم دادن، شکنجه، و عمل ضدانسانی، خشونت‌های مهم، اعمال تروریستی و تجاوز جنسی.

اساسی مشروطه و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰، حق طرف‌های دعوا مبنی بر داشتن وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی نشده بود. در اصلاحات صورت گرفته در سال ۱۳۳۵، قانون‌گذار با الحاق تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ ق.آ.د.ک، حضور وکیل مدافع متهم را در این مرحله پذیرفت. با وجود این، بر پایه این تبصره، وکیل مدافع باید از هرگونه دخالت در امر تحقیق پرهیز کند و چنانچه توضیح یا ادای مطالبی را برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم ضروری تشخیص دهد، می‌تواند آن را در پایان تحقیقات تذکر دهد. لازم به یادآوری است که شاکی خصوصی از این حق محروم نبود و حق بهره‌مندی از کمک وکیل در عمل برای او وجود داشت.

پس از انقلاب اسلامی نیز، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار نه تنها اقدامی در مورد ایجاد تعادل در حقوق دفاعی طرف‌های دعوا به عمل نیاورده، که حق‌های دفاعی متهم را محدود نیز کرده است. ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ا.ک. ضمن حفظ مقررات مندرج در تبصره ماده ۱۲ ق.آ.د.ک، تغییرهایی را در جهت محدودسازی حقوق دفاعی متهم در این مرحله ایجاد کرده است.^{۵۱} بر پایه این تبصره، در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص دادرس موجب فساد شود و نیز در مورد جرم‌های علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.

بی‌گمان، مقررات مزبور حق داشتن وکیل مدافع را که از رکن‌های بنیادی دادرسی عادلانه است، نادیده گرفته است. به‌ویژه، قانون‌گذار دادرس را به صدور قرار موجه و مستدل مبنی بر چگونگی احراز فساد مکلف نکرده است تا شاید بتوان از رهگذر شکایت از چنین قرار موجه و با اعمال کنترل دادگاه‌های تجدیدنظر، به ایجاد تعادل از دست‌رفته و رعایت برابری سلاح میان شاکی و متهم امیدوار شد [۱:۹۳].

در همین چهارچوب، قانون‌گذار فرانسه در جهت رعایت اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی گام‌های مهم دیگری را برداشته است. بر پایه بند ۱ ماده ۱۱۴

۵۱. اصل ۳۵ ق.ا. حق بهره‌مندی از وکیل را تنها در مرحله دادگاه به رسمیت شناخته است.

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (افزوده شده با قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳)، طرف‌های پرونده را جز در مواردی که به صراحت از آن صرف نظر کنند، فقط در حضور و کیلان آنان یا پس از دعوت از و کیلان بر پایه ملاک‌های قانونی می‌توان مورد تحقیق یا رویارویی قرار داد. بند ۲ این ماده نیز تصریح می‌کند که و کیلان طرف‌ها باید ۵ روز اداری پیش از هر بازجویی یا استماع، با نامه سفارشی یا اخطاریه یا به طور شفاهی و با گرفتن امضاء آنان در پرونده مبنی بر مراتب ابلاغ دعوت شوند.

قانون گذار فرانسه اصلاحات مهمی را بر پایه قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ در مورد دسترسی و کیلان طرف‌های دعوا به پرونده تحقیقاتی اعمال کرده است. به موجب این مقررات، پس از نخستین حضور متهم نزد بازپرس یا نخستین استماع مدعی خصوصی از سوی وی، پرونده در همه وقت به جز روزهای تعطیل در اختیار و کیلان طرف‌ها قرار می‌گیرد (بند ۳ ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). در نتیجه، ملاحظه می‌شود که قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه برای رعایت تعادل و توازن در حقوق دفاعی طرف‌های دعوا دو امتیاز مهم برای و کیلان آنان پیش‌بینی کرده است. نخست، از زمان اجرای این قانون، و کیلان طرف‌ها دیگر دسترسی محدود به پرونده که منحصر به زمان نخستین بازجویی یا استماع بود ندارند، بلکه دارای امکان دسترسی همه‌وقت و همیشگی به پرونده اند. دوم، دسترسی و کیلان به کل پرونده و همه اوراق و محتویات آن مربوط است. بنا بر این، نمی‌توان و کیلان طرف‌ها را از مطالعه برخی از اوراق پرونده منع کرد. وانگهی، بر پایه نظر دیوان عالی کشور فرانسه، اگر از تاریخ مطالعه پرونده تا تاریخ بازجویی، اوراق جدیدی به پرونده افزوده شود، بازپرس بدون آگاه کردن ذی‌نفع یا وکیل وی از این اوراق^{۵۲} یا بدون رضایت آنان^{۵۳} نمی‌تواند به آنها استناد کند. لازم به یادآوری است که انجام ندادن این تکلیف

52. Crim. 5 juin 1975.

53. Crim. 26 juillet 1958, Bull. Crim. No. 146.

بطلان تحقیقات را به همراه خواهد داشت.

افزون بر آن، بند ۴ ماده ۱۱۴ قانون یادشده حق تهیه رونوشت از برخی اوراق پرونده را از سوی وکیلان برای ارائه آنها به موکلان خود پیش‌بینی کرده است.^{۵۴} در این باره، وکیلان باید فهرستی از اوراق پرونده را که موکلان آنان مایل به تهیه رونوشت از آن اند، تهیه کرده و به اطلاع بازپرس برسانند. بازپرس موظف است که طی مدت ۵ روز به این درخواست پاسخ دهد. عدم پاسخ در این مهلت به معنای اجازه ضمنی بازپرس در مورد ارائه کپی اوراق به موکلان است. در عوض، چنانچه بازپرس با این درخواست مخالفت کرد، باید قراری مستدل و موجه صادر کند. این قرار طی مهلت ۲ روز اعتراض‌پذیر در شعبه تحقیق^{۵۵} بوده و رئیس شعبه طی مهلت ۵ روز به این اعتراض رسیدگی می‌کند.^{۵۶} لازم به یادآوری است که این اوراق فقط برای استفاده موکلان بوده و ارائه آنها به اشخاص دیگر ممنوع است.^{۵۷} انتقال اوراق به اشخاص دیگر طرف‌های دعوا را در معرض مجازات نقدی قرار می‌دهد.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، بر پایه مقررات قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، حق دسترسی به پرونده تحقیقاتی تنها از سوی وکیلان طرف‌ها امکان‌پذیر بوده و در واقع، طرف‌های دعوا نمی‌توانند به طور مستقیم به اوراق پرونده دسترسی داشته باشند. در مورد مطابقت این مقررات با بند یک ماده ۶ و اصل برابری سلاح‌ها، دیوان استراسبورگ دو رویه متفاوت اتخاذ کرده است. دیوان ابتدا در رأی فوشر^{۵۸} عدم دسترسی مستقیم متهم (بدون حضور وکیل مدافع وی) به پرونده دادرسی را به لحاظ اینکه دادسرا از این حق بهره‌مند است، مخالف اصل برابری سلاح‌ها می‌داند.

۵۴. این مقررات بر پایه قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶ افزوده شده اند.

55. chambre d'instruction

۵۶. بند ۸ ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک. فرانسه.

۵۷. گفتنی است که ارائه نظر کارشناسی به اشخاص دیگر برای تدارک دفاع از این قاعده مستثناست: بند ۶ ماده

۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

۵۸. پرونده فوشر (Foucher) علیه فرانسه رأی ۱۸ مارس ۱۹۹۷.

ولی، چند سال بعد، در پرونده مُنه^{۵۹}، دیوان فرایندی را که بر اساس آن مدعی خصوصی از دسترسی به پرونده بدون حضور وکیل مدافع منع شده بود، مخالف مقررات بند یک ماده ۶ تشخیص نمی‌دهد. زیرا، به باور دیوان، مدعی خصوصی با خودداری از حق بهره‌مندی از وکیل مدافع، خود را در وضعیتی قرار داده که از دسترسی به پرونده محروم شود. وانگهی، عدم دسترسی وی به پرونده از رهگذر ضرورت حفظ سری بودن تحقیقات توجیه شده است.

با این همه، دیوان بر این باور است که این پرونده با پرونده فوشر تفاوت دارد. زیرا، از یک سو، در این پرونده درخواست‌کننده «متهم در قلمرو کیفری» در معنای ماده ۳-۶ نبوده و از سوی دیگر، در پرونده فوشر بحث حمایت از سری بودن تحقیقات مقدماتی در میان نبوده و ذی‌نفع با کیفرخواست شفاهی (بدون انجام تحقیقات مقدماتی) در برابر دادگاه حضور یافته است.

در حقوق ایران، ماده ۶۷ ق.آ.د.ک. در حالی که حق حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی و گرفتن کپی از اوراق پرونده را برای بزه‌دیده در نظر گرفته بود، متهم را از این امتیاز مهم محروم کرده بود. در واقع، هر چند این ماده درباره حق دسترسی بزه‌دیده به پرونده ساکت بود، رویه قضائی با تفسیر گسترده این مقررات به نفع وی، چنین حقی را برای بزه‌دیده قائل شده بود.^{۶۰}

پس از انقلاب اسلامی، ماده ۷۳ ق.آ.د.ک. از یک سو با افزودن قید «منافی با

۵۹. پرونده مُنه (Menet) علیه فرانسه رأی ۱۴ ژوئن ۲۰۰۵.

۶۰. کمیسیون مشورتی آیین دادرسی کیفری اداره حقوقی وزارت دادگستری در جلسه مورخ ۱۳۴۲/۲/۱۹ چنین اظهار نظر کرده است: «از صراحت ماده ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری دایر به اینکه شاکی حق دارد در تحقیقات حضور بهم رساند و شهود و دلایل خود را اظهار دارد و سواد صورت تحقیقات و قرارهای مستنطق را بگیرد، به قیاس الویت مسلم است که حق مطالعه پرونده نیز برای شاکی و وکیلش محفوظ است و دلیلی هم بر انحصار این حق به صورت تحقیقات از شهود نیست و اصولاً خلاف منطوق و موازین حقوقی است که شاکی را که صاحب حق و متضرر از جرم و متنفذ در تعقیب متهم است و دخالت او در جهت تقویت دعوی عمومی است از حق مطالعه پرونده ممنوع داشت. بنا بر این شاکی و وکیل او حق دارند تمام تحقیقات را مطالعه کرده از آن رونوشت بگیرند» [۳:۳۷۶].

محرمانه بودن تحقیقات» و از سوی دیگر، حذف قید حق «حضور در تحقیقات»، حدود و اختیارات شاکی در مورد دسترسی وی به اوراق پرونده را محدود کرده است. از نظر برخی از حقوق‌دانان [۱:۷۸]، این تغییرها در جهت رعایت برابری میان طرف‌های دعوا نیست، بلکه با هدف سری کردن هرچه بیش‌تر تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است. بر عکس، بر پایه نظریه اکثریت اعضاء کمیسیون معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، محدود کردن این اختیارات در جهت رعایت برابری میان طرف‌های دعواست^{۶۱}. بدین ترتیب، اکنون شاکی خصوصی در مورد دسترسی پرونده حق‌هایی دارد که معادل آنها برای متهم وجود ندارد.

در ادامه همین اندیشه، قانون‌گذار فرانسوی در چهارچوب اصل برابری سلاح‌ها، تمهیدهای مهمی را برای تقویت حضور فعال شاکی و متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی فراهم کرده است. بر پایه قوانین ۲۴ اوت ۱۹۹۳ و ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰، طرف‌های دعوا می‌توانند انجام هرگونه اقدام یا تحقیقی را که به کشف حقیقت کمک می‌کند، درخواست کند. لازم به یادآوری است که این حق ابتدا فقط برای دادستان پیش‌بینی شده بود (ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) و متهم و شاکی جز در موارد محدودی از این حق بی‌بهره بودند (درخواست کارشناسی و انجام آزمایش‌های پزشکی).

قانون‌گذار فرانسوی برای ایجاد تعادل در حقوق دفاعی همه طرف‌های دعوا، ابتدا بر پایه قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ (کامل شده با قانون ۲۴ اوت همان سال) به شاکی و متهم این حق را می‌دهد که برخی از تحقیقاتی را که به کشف حقیقت کمک می‌کند، از دادرسی تحقیق درخواست کنند. با وجود این، فهرست اعمال و تحقیقاتی که طرف‌ها حق درخواست آنها را داشتند، محدود شده بود (برای نمونه، استماع گواهی گواهان، رویارویی و تحقیقات محلی).

۶۱. بر پایه این نظریه، «چون حق مطالعه پرونده به متهم داده نشده در جهت رعایت حقوق طرف‌ها، شاکی و یا وکیل او صرفاً در حدود اجازه موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری و نسبت به برخی اوراق پرونده مجاز به مطالعه آن است». به نقل از: [۲:۲۷۳].

سرانجام، قانون ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۰ با افزودن قید «درخواست هرگونه اقدام تحقیقی که از نظر آنان برای کشف حقیقت لازم به نظر می‌رسد» به ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، این اختیار را به طرف‌های دعوا می‌دهد که هر اقدام و تحقیقی را که به نظر آنان به کشف حقیقت کمک می‌کند، از بازپرس درخواست کند.^{۶۲} همان گونه که حقوق‌دانان فرانسوی [۱۶:۶۶۰] اشاره کرده اند، هدف قانون‌گذار فرانسه از وضع این مقررات برقراری برابری کامل میان طرف‌های دعوا بوده است. در این موارد، بازپرس مکلف است که در صورت عدم پذیرش درخواست فرد، طی مدت یک ماه قرار مستدل صادر کند. عدم صدور قرار از سوی بازپرس در این مهلت این حق را به ذی‌نفع می‌دهد که به رئیس شعبه تحقیق مراجعه کرده و درخواست رسیدگی کند. رئیس شعبه تحقیق طی ۸ روز با صدور قرار نامستدل و قطعی نسبت به این امر که آیا رسیدگی استینافی مورد درخواست ضرورت دارد یا خیر، تصمیم می‌گیرد.

سرانجام، قانون‌گذار فرانسوی در ادامه همین سیاست مقررات جدیدی را درباره کارشناسی پیش‌بینی کرده است. قانون ۱۵ مارس ۲۰۰۷ با عنوان «توازن در آیین دادرسی کیفری» گام‌های مهمی را برای ترفعی کردن هرچه بیش‌تر کارشناسی برداشته است.

نخست، ماده ۱-۱۶۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری فرانسه بازپرس را مکلف می‌کند که هنگام صدور قرار کارشناسی، نسخه‌ای از رونوشت قرار صادره را بی‌درنگ به دادستان و وکیلان طرف‌های دعوا ابلاغ کند. از زمان ابلاغ قرار، طرف‌ها ۱۰ روز مهلت دارند که از بازپرس درخواست کنند که موارد خواسته شده از کارشناسان تغییر یافته یا تکمیل شوند. وانگهی، این حق برای آنان وجود دارد که نسبت به انتخاب و

۶۲ وانگهی، بر پایه ماده ۲۰۱ همان قانون، طرف‌های دعوا (دادستان، متهم، شاکی) می‌توانند انجام هرگونه تحقیقات تکمیلی را از شعبه تحقیق درخواست کنند.

الحاق کارشناسان برگزیده خود به کارشناسان تعیین شده از سوی بازپرس (از میان یکی از فهرست‌های موجود در دیوان عالی کشور یا دادگاه تجدیدنظر) اقدام کنند. در صورت عدم پذیرش این درخواست، بازپرس باید طی ۱۰ روز پس از درخواست طرف‌ها، قراری مستدل صادر کند. این قرار فقط در برابر رئیس شعبه تحقیق اعتراض‌پذیر است. رئیس شعبه بدون ارجاع امر به شعبه تحقیق، یک تصمیم ماهوی مستدل صادر می‌کند. این تصمیم قطعی است.

همچنین، بر پایه مقررات جدید، بازپرس این اختیار را دارد که وقتی اجرای قرار کارشناسی بیش از یک‌سال به طول می‌انجامد، از کارشناس بخواهد که در هر مرحله از کارشناسی نظر خود را اعلام کند.^{۶۳} در این موارد، بازپرس مکلف است که نظر کارشناس را به طور شفاهی یا با نامه سفارشی به وکیلان طرف‌ها ابلاغ کند. افزون بر آن، بر پایه مقررات جدید، بازپرس می‌تواند بر پایه درخواست طرف‌های دعوا، کارشناس را مکلف کند که پیش از اظهار نظر قطعی خود، یک نظر کارشناسی موقت صادر کند. این نظر به طرف‌ها ابلاغ می‌شود و آنان می‌توانند دیدگاه خود را طی ۱۵ روز (در مورد کارشناسی حسابداری، این مهلت یک ماه است) هم‌زمان به بازپرس و کارشناس اعلام کنند. ملاحظه‌های طرف‌ها در این باره هنگام اظهار نظر قطعی مورد توجه کارشناسان قرار می‌گیرد (ماده ۲-۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه).

در حقوق ایران، به نظر می‌رسد که درخواست انجام تحقیقات لازم برای کشف حقیقت به منزله حقی برای طرف‌های دعوا شناخته نشده است.^{۶۴} بنا بر این، هر چند منعی در مورد درخواست انجام برخی تحقیقات از سوی طرف‌های دعوا وجود ندارد،

63. rapport d'étapes

۶۳. گفتنی است که قانون‌گذار ایران درخواست انجام برخی از تحقیقات از سوی طرف‌های دعوا را در مرحله رسیدگی پذیرفته است. بر پایه ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ا.ک، «هر گاه متهم یا مدعی خصوصی تقاضا کند از شخص یا اشخاصی که در دادگاه حضور دارند تحقیق شود هر چند قبلاً احضار نشده باشند. دادگاه تحقیقات لازم را از آنان بعمل می‌آورد».

تکلیفی نیز برای دادرسان تحقیق در پذیرش این درخواست‌ها وجود ندارد. برای نمونه، در مورد معاینه‌های محلی، بر پایه ماده ۷۸ ق.آ.د.ا.ک، دادرس تحقیق تکلیفی به اعلام جریان امر به طرف‌های دعوا نداشته و عدم حضور آنان مانع انجام دادن معاینه محل یا تعویق آن نیست [۱:۱۰۳].

۲. مرحله رسیدگی در دادگاه

در مرحله رسیدگی نیز، قانون‌گذار فرانسه اصلاحات مهمی را در مورد رعایت برابری میان طرف‌های دعوا انجام داده است. در واقع، هدف از اصلاحات اخیر در این باره برقراری یک سیستم اتهامی یک‌پارچه در مرحله رسیدگی است. وانگهی، این اصلاحات در جهت کاهش اقتدار و ابتکار مطلق دادرس در مورد بازجویی طرف‌های دعوا و پایین آوردن جایگاه دادرسان به جایگاه طرف‌های دعوا و در حقیقت اعمال اصل برابری سلاح‌ها نسبت به وی است [۷:۱۰۶].

در مورد این تحولات، باید یادآور شد که مطابق رویه موجود، محدودیت دسترسی مستقیم طرف‌های دعوا به پرونده و تهیه رونوشت از اوراق آن خاص مرحله تحقیقات مقدماتی بوده و در مورد مرحله رسیدگی اعمال نمی‌شود. در واقع، بر خلاف مرحله تحقیقات مقدماتی که اصل سری بودن تحقیقات در آنجا اعمال می‌شود، در مرحله رسیدگی «اصل رعایت حقوق دفاعی» حاکمیت دارد. برای نمونه، بر پایه آیین‌نامه ۳۱ ژانویه ۲۰۰۱ که ماده R۱۶۵ (آیین‌نامه) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه را اصلاح کرده، حق درخواست رونوشت رایگان از همه اوراق پرونده برای طرف‌های دعوا به رسمیت شناخته شده است.

افزون بر آن، بر پایه ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، طرف‌های دعوا در برابر دیوان جنایی می‌توانند تهیه رونوشت رایگان از صورت‌جلسه‌های متضمن وقوع جرم، صورت‌جلسه‌های گواهی کتبی گواهان و نظریه کارشناسان را درخواست کنند. این حق در قانون تحقیقات جنایی فرانسه فقط برای متهم در نظر گرفته شده

بود و سپس با تأخیر در سال ۱۹۹۰ برای مدعیان خصوصی نیز پیش‌بینی شد. در همین چهارچوب، ماده ۲۸۰ این قانون اجازه گرفتن کپی از همه اوراق پرونده را به شاکی خصوصی و متهم با هزینه شخصی داده است.

یادآور می‌شود که از نظر رویه قضائی دیوان عالی کشور فرانسه، آگاهی پیشین طرف‌ها از لایحه‌های ارائه‌شده به دادگاه‌های جنحه یا دیوان جنائی یک تکلیف محسوب نمی‌شود. وانگهی، هیچ‌گونه مقررات قانونی وجود ندارد که طرف‌ها را به ارائه مدارکی ملزم کند که قصد ارائه آنها را در دادگاه و تا پیش از شروع مذاکره‌ها دارند. با این همه، در مورد دیوان جنائی، بر پایه ماده ۲۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، فهرست گواهان برگزیده طرف‌ها باید دست‌کم ۲۴ ساعت پیش از شروع دادرسی به طرف مقابل یعنی دادستان، مدعی خصوصی یا متهم ابلاغ شود. این تکلیف در مورد دادگاه جنحه وجود ندارد.

در مورد دادگاه‌های جنحه و پلیس، رویه قضائی فرانسه مدت‌ها بر این باور بود که فقط وکیلان طرف‌ها حق دسترسی به اوراق پرونده را دارند. ولی، دیوان عالی فرانسه^{۶۵} در سال ۱۹۹۶ تحت تأثیر رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر^{۶۶} و با استناد به اصل برابری سلاح‌ها، دسترسی متهم به پرونده را بدون حضور وکیل مدافع می‌پذیرد^{۶۷}. چنین حقی با توجه به مواد ۱۵۴A و ۱۵۵ همان قانون برای مدعی خصوصی نیز پذیرفتنی است.

به طور کلی، در حقوق فرانسه می‌توان وجود حق آگاهی تقریباً کامل از مفاد پرونده را برای طرف‌ها قائل شد. بی‌گمان، همه مقررات جدید در این باره بر پایه اصل برابری سلاح‌ها میان همه طرف‌های دعوا (دادسرا، بزه‌دیده و متهم) وضع شده است. زیرا، دادستان

65. Cass. Crim. 12 juin 1996: Bull. Crim. n°848.

66. Foucher

۶۷. به‌ویژه اینکه، دادسرا از ابتدا از حق دسترسی به پرونده در همه مرحله‌های دادرسی بهره‌مند بوده است.

به منزله یکی از طرف‌های دعوا از ابتدا از این حق‌ها بهره‌مند بوده است [۱۴:۱].

در حقوق ایران، ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ا.ک. حق دسترسی متهم و وکیل وی را به پرونده پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته است. این مقررات از آن جهت که چنین حقی را برای شاکی خصوصی پیش‌بینی نکرده است، ناقص به نظر می‌رسند؛ به‌ویژه آنکه، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، شاکی خصوصی در مرحله تحقیقات مقدماتی از حق دسترسی محدود به پرونده بهره‌مند است.

قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ نیز به‌نوبه خود گام‌های مهمی را در جهت تعادل حقوق دفاعی طرف‌های دعوا در مرحله رسیدگی برداشته است. بر پایه این قانون، دادگاه می‌تواند برای بزه‌دیدگانی که به زبان فرانسه آشنایی کامل ندارند، مترجم تعیین کند. این حق پیش از تصویب این قانون فقط برای متهم و گواه پیش‌بینی شده بود. وانگهی، دادگاه می‌تواند یک مترجم آشنا به زبان ناشنویان برای کمک به متهمان، بزه‌دیدگان و گواهان کر و لال تعیین کند.

در همین چهارچوب، قانون‌گذار ایران بر پایه ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ا.ک.، ضرورت تعیین دو نفر مترجم را در صورتی که شاکی و مدعی خصوصی یا متهم یا گواهان فارسی ندانند، پیش‌بینی کرده است.

همچنین، بر پایه مواد ۳۱۲ و ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، وکیلان طرف‌ها می‌توانند پرسش‌های خود را به طور مستقیم و پس از گرفتن اجازه از رئیس دادگاه، از متهم، مدعی خصوصی، گواهان و همه اشخاصی که به دادگاه فرا خوانده شده‌اند، بپرسند. به نظر می‌رسد که وضع این مقررات در قانون فرانسه به پیروی از رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر صورت گرفته است. زیرا، از دیدگاه این دیوان، محکومیت اشخاص فقط بر پایه گواهی گواهان و در شرایطی که وی از حق رویارویی با گواهان علیه خود و طرح پرسش از آنان محروم بوده است، از جمله موارد محدود کردن غیر قابل چشم‌پوشی حقوق دفاعی به شمار رفته و اصل برابری سلاح‌ها را

مخدوش می‌کند.^{۶۸}

قانون گذار ایران نیز در ماده ۱۹۸ ق.آ.د.ا.ک. مقررات تقریباً مشابهی را پیش‌بینی کرده است: «وقتی که دادگاه شاهد یک طرف دعوا را استماع کرد به طرف دیگر اعلام می‌دارد که چنانچه پرسش‌هایی از شاهد دارد، می‌تواند مطرح کند»^{۶۹}. در همین راستا، ماده ۲۶۵ این قانون درباره رسیدگی در دیوان عالی کشور به طرف‌ها و وکیلان آنان این حق را می‌دهد که مطالب خود را پس از گرفتن اجازه از رئیس اظهار کنند.

ت. جایگاه قضائی اصل برابری سلاح‌ها

دیوان عالی کشور فرانسه به طور منظم تطبیق و هماهنگی قوانین داخلی و نیز آراء صادره از دادگاه‌های پایین‌تر را با اصل برابری سلاح‌ها کنترل می‌کند. همان‌گونه که خواهیم دید، در برخی از موارد دیوان عالی کشور فرانسه مانع اجرای قوانینی شده است که متضمن نقض این اصل بوده اند.^{۷۰} در مواردی هم که رویه جاری در مراجع قضائی آن کشور با اصل برابری سلاح‌ها در تضاد بوده، نسبت به اصلاح آن اقدام کرده است. در اینجا به ذکر چند مثال در این باره بسنده می‌کنیم:

۱. دیوان عالی کشور فرانسه در تصمیم مورخ ۸ می ۱۹۹۷ چگونگی تأثیرپذیری

68. CEDH, 20 septembre 1994: JCP, 1994, II, 22215, note Chambon.

۶۹. امکان طرح پرسش مستقیم از سوی طرف‌های دعوا در ق.آ.د.ا.ک. وجود نداشت. بر پایه ماده ۲۹ قانون تشکیل محاکمه جنایی (مصوب مرداد ۱۳۳۷)، «قطع کلام گواهان در اثناء تحقیق ممنوع است. هر یک از طرف‌های دعوا هر سؤالی داشته باشد باید به توسط رییس دادگاه به عمل آورد»؛ ر.ک. : آشوری، محمد؛ نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ مجله مجتمع آموزشی عالی قم، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۸، صص ۴۴-۴۷.

۷۰. گفتنی است که در برخی از موارد، دیوان عالی کشور فرانسه بر این باور است که قوانین داخلی با مقررات بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطابقت داشته و در نتیجه اصل برابری سلاح‌ها رعایت شده است. در این باره ر.ک.:

J. BORRICAND, «L'influence de la convention européenne des droits de l'homme sur la jurisprudence française en matière pénale», problèmes actuels de science criminelle, 1999, p. 81.

از اصل برابری سلاح‌ها و پذیرش آن را در حقوق داخلی به‌خوبی نشان داده است. در این تصمیم، دیوان کشور فرانسه بر این باور است که ماده ۵۴۶ آیین دادرسی کیفری فرانسه حق تجدیدنظرخواهی مطلق را در امور خلافی برای دادستان کل پیش‌بینی کرده، در حالی که چنین حقی به طور نسبی برای متهم در نظر گرفته شده است. در نتیجه، این امر بر خلاف اصل برابری سلاح‌هاست. زیرا، بر پایه این اصل، همه طرف‌های دعوا در یک فرایند کیفری دارای حق‌های برابر اند. بر پایه این تصمیم دیوان عالی کشور، قانون‌گذار فرانسوی به موجب قانون شماره ۵۱۵-۹۹ / ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹، به حذف این مقررات از قانون آیین دادرسی کیفری خود مبادرت کرد؛

۲. دومین مثال به کاهش اختیارات دادیار دیوان عالی کشور در حد حق‌های طرف‌های دعوا مربوط است. در گذشته، این مقام قضائی حق داشت که به پرونده حاوی نظر مستشار تهیه‌کننده گزارش درباره درستی فرجام دادرسی داشته باشد. همچنین، وی در جلسه‌های مقدماتی پیش از جلسه رسیدگی (به همراه رئیس دیوان و رئیس شعبه رسیدگی‌کننده) شرکت جسته و بدون داشتن حق رأی در جریان شور برای صدور رأی حضور می‌یافت. دیوان استراسبورگ در پرونده راینهارد و اسلیمان-کاید^{۶۱} علیه فرانسه بر این باور است که هر سه رویه عملی مخالف دادرسی عادلانه بوده و متضمن نقض اصل برابری سلاح‌ها میان دادسرا و درخواست‌کننده فرجام است.

سرانجام، تحت تأثیر آراء صادره از دیوان استراسبورگ، دیوان عالی کشور فرانسه از سال ۲۰۰۲ رویه خود را تغییر داده است. از این پس، دادیار دیوان عالی کشور در جلسه مقدماتی و جلسه مربوط به شور برای صدور رأی حضور نداشته و پرونده فرجام‌خواهی نیز به همان شکل و با همان شرایط مربوط به طرف‌های دعوا در اختیار

۶۱. پرونده Reinhardt et Slimane-Kaid پیش‌تر اشاره شده است.

وی قرار می‌گیرد^{۷۲}؛

۳. در آخرین مثال، به رویه دیوان عالی فرانسه در مورد حق دست‌رسی طرف‌های دعوا به اوراق جدید ارائه‌شده از سوی دادسرا در جلسه رسیدگی اشاره می‌شود. از دیدگاه رویه قضائی فرانسه^{۷۳}، دادسرا می‌تواند در جلسه رسیدگی، کلیه اوراق جدیدی را که از نظر وی می‌تواند مفید باشد، ارائه کند. ولی، اصل برابری سلاح‌ها اقتضاء دارد که حق طرف‌های دعوا در مورد بررسی و مورد مناقشه قرار دادن این اوراق به رسمیت شناخته شود. بی‌گمان، این رویه دیوان عالی فرانسه مبنی بر به رسمیت شناختن این حق برای طرف‌های دعوا متأثر از رویه قضائی دیوان استراسبورگ درباره این موضوع است. برای نمونه، در پرونده کویپلا علیه فنلاند، دیوان چنین اظهار نظر کرده است که همه اوراق جدید ارائه‌شده از سوی دادسرا هر چند تأثیری در تصمیم دادگاه ندارند، باید مورد بحث و مناقشه طرف‌ها قرار گیرند.

در رویه قضائی ایران، به‌جز نظریه‌های مشورتی مورد اشاره، آرائی که بر مبنای اصل برابری سلاح‌ها صادر شده باشند، مشاهده نشد و بنا بر این، ضرورت توجه به این اصل در آراء صادره از مراجع قضائی به‌ویژه از دیوان عالی کشور احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

اصل برابری سلاح‌ها بر این حق برای طرف‌های دعوا تأکید دارد که هر یک از آنان باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح کند که وی را نسبت به طرف مقابل خود به‌گونه‌ای اساسی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد. این اصل از سال‌ها پیش

۷۲. این رویه دیوان اروپایی حقوق بشر از آن جهت که دادسرای دیوان عالی کشور در این زمینه یکی از طرف‌های دعوا انگاشته نمی‌شود و در حقیقت به‌منزله یک حقوق‌دان محض انجام وظیفه می‌کند و نظر وی تأثیری در تصمیم دادرسان ندارد، مورد انتقاد حقوق‌دانان فرانسوی قرار گرفته است. برای نمونه، ر.ک.:

J. Pradel; *Procédure Pénale*; n° 1002, p. 903.

73. Cass. Crim., 9 mars 1994; Bull.92.-30 Octobre 1996; procédure, Mars 1997, n° 65, obs. J. Buisson.

در کشورهای مختلف از جمله فرانسه پذیرفته شده و رعایت آن از جمله شرط‌های اساسی دادرسی عادلانه است.

در حقوق ایران، این اصل را قانون‌گذار به صراحت پیش‌بینی نکرده و آراء دیوان عالی کشور و دادگاه‌های ایران نیز به آن توجهی نداشته‌اند. این در حالی است که دولت ایران در بهمن ماه ۱۳۵۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کرده و در نتیجه، به لحاظ حقوقی ملزم به رعایت تضمین‌های مورد نظر یک دادرسی عادلانه است.

با وجود این، با دقت در برخی از متون قانون می‌توان نتیجه گرفت که در برخی از موارد به مدلول این اصل توجه شده است. خوشبختانه، اقبال به این اصل با الهام از اسناد بین‌المللی و دست‌آوردهای حقوق تطبیقی، به‌منزله یکی از اصول راه‌بردی آیین دادرسی کیفری مورد توجه تهیه‌کنندگان برخی از لایحه‌های قانونی قرار گرفته است. برای نمونه، بر پایه ماده ۹۰ لایحه قانون شهروندی و تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی، «هر کس حق دارد در کلیه مراحل ... و رسیدگی و همچنین در دادرسی‌های حقوقی ... از مشاوره و دخالت وکیل برخوردار گردد و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود». پیدا است که قید «هر کس» افزون بر متهم، شاکی را نیز شامل می‌شود. و به موجب ماده ۲۸۰ لایحه آیین دادرسی کیفری، بزه‌دیده نیز می‌تواند از این پس از خدمات وکیل تسخیری در مرحله دادرسی و صدور حکم استفاده کند که این امر به‌نوبه خود حقی جدید برای بزه‌دیدگان به حساب می‌آید [۵:۶۸].

رعایت برابری سلاح‌ها میان طرف‌های دعوا ایجاب می‌کند که مقام پی‌گرد (دادستان) از مقام تحقیق (بازپرس) به طور کامل تفکیک شود. به بیان دیگر، دادسرا باید فقط به‌منزله مقام پی‌گرد شناخته شده و مانند حقوق فرانسه یکی از طرف‌های دعوا انگاشته شود تا رعایت برابری میان کنشگران فرایند کیفری امکان‌پذیر شود.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد؛ **آیین دادرسی کیفری**؛ جلد دوم، انتشارات سمت، چ چهارم، ۱۳۸۳.
۲. شاملو احمدی، محمد حسین؛ **پیرامون دادرسی**؛ انتشارات دادیار، ۱۳۸۴.
۳. نشریه هفته دادگستری؛ شماره ۸، به نقل از: محسنی، مرتضی و کلانتریان، مرتضی؛ مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل کیفری، مسأله ۳۰۶.
۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ **آیین دادرسی از دیدگاه امام علی**؛ معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۵. نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ **عدالت برای بزه‌دیدگان (میزگرد)**؛ مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ (انتشار: ۱۳۸۶).
6. d'Hauteville, A.; **Les droits des victimes**; R.S.C., n°1, 2001.
7. Gassain, R.; **"la procedure pénale: bilan des réformes depuis 1993"**; sous la direction de G. Roujou de Boubée, 1995.
8. Guinchard, S.; **Droit processuel, Droit commun et Droit comparé du procès**; 3eme Ed., Paris, Dalloz, 2003.
9. Guinchard, S. Et Buisson, J.; **Procédure Penale**; 3ed, 2005.
10. Guinchard, Serge; **"les norms européennes garantes d'un process de qualité"**; la qualité de la justice, la documentation française, 2002.
11. Guinchard, Serge; **"vers une démocratie procedurale"**; justice, Dalloz, 1999.
12. Pradel, J.; **Centenaire de la loi du 8 décembre 1897 sur la défense avant jugement pénal: essai d'un bilan**; D. 1997.
13. Pradel, J.; D., 2001.
14. Pradel, J.; **«la procédure pénale française à l'aube du troisième millénaire"**; D. 2000, no. 1.
15. Pradel, J.; **"la protection de la personne en France depuis les réformes de code procédure pénale"**; la revue juridique Thémis, volume 29, n°1, 1995.
16. Pradel, Jean; **Procédure pénale**; 13 edition, 2006-2007.

17. Oppetit, B.; **Philosophie du droit**; Dalloz, 1999.
18. Soyer J-C et de Salvia, M.; **Article 6 de la CEDH**; commentaire article par article, 2eme éd., 1999.
19. Sudre, F.; **Les grands arrêts de la cour européenne des droits de l'homme**; 4 ème Ed., Puf, Paris, 2007.